

بررسی رابطه میان منبع کنترل با سازگاری زناشویی و روان رنجورخویی
در معلمان متاهل شهر شیراز

**Investigating the relationship between locus of control,
marital adjustment and neuroticism in married teachers in Shiraz**

Salahuddin Nejati

Level 4 student of Qom seminary.

Email: nejati.1403.s@yahoo.com

صلاح الدین نجاتی *

طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

Abstract

The purpose of this research was to investigate the relationship between locus of control, marital adjustment and neuroticism in married teachers in Shiraz. The current research was a fundamental research in terms of its purpose, and a correlational descriptive research from the point of view of data collection. The statistical population in this research was all the married teachers of Shiraz city, and according to Morgan's table, the statistical sample number was calculated to be 206 people. The sampling method in this research was the available random method. The tools of data collection in this research were Hannah Levinson's locus of control questionnaire (1973), Spanier's marital adjustment questionnaire (1976) and Costa and McCree's neuroticism questionnaire (2004). After analyzing the data using SPSS software, the results showed that there is a significant and direct relationship between the source of control and marital adjustment, and there is a significant and inverse relationship between the source of control and neuroticism.

Keywords: locus of control, marital adjustment, neuroticism.

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه میان منبع کنترل با سازگاری زناشویی و روان رنجورخویی در معلمان متاهل شهر شیراز بوده است. تحقیق حاضر از نظر هدف، پژوهشی بنیادی و از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه معلمان متاهل شهر شیراز بوده است که طبق جدول مورگان تعداد نمونه آماری ۲۰۶ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش تصادفی در دسترس بوده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه منبع کنترل هانا لوینسون (۱۹۷۳)، پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) و پرسشنامه روان رنجورخویی کاستا و مک کری (۲۰۰۴) بوده است. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS نتایج نشان داد بین منبع کنترل و سازگاری زناشویی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و بین منبع کنترل و روان رنجورخویی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: منبع کنترل، سازگاری زناشویی، روان رنجورخویی.

مقدمه

مفهوم منبع کنترل را، جامعه شناسان به صورت اراده آزاد در مقابل خود بیگانگی و روانشناسان به صورت رفتارگرایی در مقابل فردگرایی مورد بحث قرار داده‌اند. احساس حقارت از طریق تجربه قدرت مشخص بر انسان تسلط پیدا می‌کند با این وجود آغاز مفهوم کنترل به عنوان یک سازه روان شناختی و به شکل رسمی به دو دهه گذشته بر می‌گردد (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۳). در نظریه راتر (۱۹۹۶)، منبع کنترل درونی عبارت است از باور کلی و پایدار فرد به مهارپذیری نتایج و پیامدهای زندگی. نتایج تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که میان سازگاری زناشویی و منبع کنترل ارتباط معناداری وجود دارد. خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و سازگاری فرد یا جامعه آثار وسیعی دارد تایلر^۱ (۲۰۲۰). خانواده سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد یکایک اعضای جامعه، نقش بنیادین دارد. تلاش در جهت استحکام خانواده و سازگاری زناشویی و استوار سازی روابط درون این سیستم، زمینه را برای سلامت اخلاقی سعادت عمومی فراهم می‌سازد. خانواده عامل جامعه‌پذیری و منتقل کننده اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر و عامل نظارت و کنترل رفتار اعضای خود است. سازگاری زناشویی می‌تواند در پرورش توانایی‌های بالقوه افراد تاثیرگذار باشد (بیات، ۱۴۰۰). ازدواج نوعی پیوند اجتماعی صمیمانه و عمیق میان زن و شوهر است که می‌تواند منشا خوشی و شادمانی یا رنجی عمیق شود. از جمله شاخص‌هایی که می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی را پیش بینی کند، سازگاری زناشویی^۲ است که با نام‌های شادمانی زناشویی، رضایت زناشویی و موفقیت زناشویی مترادف شده است و می‌تواند به بهزیستی روانشناختی، عملکرد بهتر سیستم ایمنی بدن، ایجاد روحیه مثبت، کاهش افسردگی، روابط جنسی رضایت بخش و کاهش احتمال طلاق کمک نماید (شفیعی و فاتحی زاده، ۱۳۹۷). سازگاری زناشویی وضعیتی است که زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت دارند و از کنار هم بودن لذت می‌برند. زوج‌هایی که از سازگاری بالایی برخوردارند بیشتر از عبارات محبت آمیز، تایید کننده و حمایت کننده استفاده می‌کنند. زوج‌هایی که در توانایی درک و پذیرش افکار و احساسات یکدیگر را داشته باشند در زندگی زناشویی سازگارترند. یکی از متغیرهای مهم و تاثیر گذار در سازگاری زناشویی روان رنجور خوبی است. پژوهشگران در بیان تفاوت‌های فردی، با توجه به صفات شخصیت اشاره می‌کنند که روان رنجور خوبی به تمایل فرد به تجربه هیجانات منفی، مانند اضطراب، افسردگی و خشم بر می‌گردد. مطابق نتایج پژوهش‌های سوچ وزف برون‌گرایی و روان‌رنجور خوبی با سلامت روان رابطه دارند. به طور کلی افراد دارای بالاترین نمره در روان رنجور خوبی مضطرب، مستعد ناراحتی و نگرانی، پرخاشگرو تکانشی توصیف می‌شوند (آهوچا، اشمیت، دیلون، الکساندر و کدیا^۳، ۲۰۲۰). روان رنجوری یکی از حالات شخصیتی است که در فرد نهادینه می‌شود. این حالات شخصیتی گاهی ممکن است به شکل عصبانیت، گاهی به شکل ناراحتی، استرس، احساس تنهایی و حتی نگرانی‌های بی‌مورد از فرد بروز داده شود. در برخی از مقالات علمی، روان رنجوری به عنوان احساسات منفی یا بی‌ثباتی عاطفی معنی می‌شود. نکته مهم اینکه افراد با شخصیت روان رنجور اغلب ممکن است عصبانیت خود را نقطه قوت خود بروز دهند و از آن کاملاً راضی باشند (حسینی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). در پی این موضوع به خود اجازه می‌دهند برای هر موضوعی واکنش‌هایی مانند غر زدن را نشان دهند. نتایج مطالعات نشان داده است میان سازگاری زناشویی و روان رنجور خوبی رابطه معناداری وجود دارد. مفهوم منبع کنترل درونی، در چارچوب نظریه راتر (۱۹۶۶)^۴ ارائه شده است. راتر در بیان مفهوم منبع کنترل، به دو بعد فرضی درونی و بیرونی اشاره دارد. گروهی که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را عموماً به شخص خود (کوشش یا توانایی شخصی) نسبت می‌دهند، افراد دارای منبع کنترل درونی نامیده شده‌اند و گروه دوم که

¹ Tayler² marital compatibility³ Ahuja, Schmidt, Dillon, Alexander & Kedi⁴ Rotter

موفقیت‌ها و شکست‌های خود را معمولاً به عوامل بیرون از خود (بخت و اقبال یا دشواری موقعیت‌ها) نسبت می‌دهند، افراد دارای منبع کنترل بیرونی نام گرفته‌اند (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳). اشخاص دارای منبع کنترل درونی باور دارند که کارآمدی، تدبیر، سخت‌کوشی، احتیاط و مسئولیت‌پذیری به پیامدهای مثبت خواهد انجامید و رفتارشان نقش مهمی در افزایش برون‌دادهای خوب و کاهش برون‌دادهای بد دارد. برعکس افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند، رویدادهای مثبت یا منفی را پیامد رفتار خود نمی‌دانند، بلکه آن را به عوامل بیرونی مانند تصادف، شانس، سرنوشت، نفوذ افراد قدرتمند و عوامل محیطی ناشناخته خارج از کنترل خود نسبت می‌دهند. بین شادکامی افرادی که کنترل درونی دارند و افرادی که کنترل بیرونی دارند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به این صورت که بین منبع کنترل درونی و شادکامی و خوش بینی رابطه معناداری وجود دارد (حسینی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). سازگاری زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند. رضایت زناشویی نتیجه وجود ارتباط صمیمی و موفق زوجین است و مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل جهت پایداری و دوام زندگی مشترک است. محققان نشان دادند که تاثیرات منفی تعارض (خشم، نفرت، ناراحتی و ترس) در تعامل‌های زوج‌ها، با خشونت و درگیری مرتبط است. روانشناسان در طولانی مدت علاقه‌مند به بررسی چگونگی تأثیر افکار و احساس‌های افراد درباره خودشان و تأثیر آن بر روابط بین شخصی بوده‌اند. متصور شدن خود به عنوان فردی شایسته و ارزشمند، نقش مهمی در توانایی حفظ و رضایت از روابط عاشقانه دارد. در مقابل، افراد خود انتقادگر، بدگمانی، نارضایتی در روابط و ناتوانی در ایجاد صمیمیت با همسر خود را تجربه می‌کنند (بیات، ۱۴۰۰). ازدواج موفق باعث ارضای بسیاری از نیازهای جسمانی و روانی افراد می‌شود و در صورت شکست، زن و شوهر به ویژه فرزندان آنها با ضربه روانی شدید مواجه می‌شوند. یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی رضایتی است که همسران تجربه می‌کنند. سازگاری زناشویی به جهت تأثیری که بر بهداشت روانی افراد دارد و با توجه به اینکه نقش اساسی در حفظ تعادل روانی-اجتماعی خانواده بر عهده همسران است و ایجاد تنش و فشار در آنها بر سایر اعضای خانواده اثر می‌گذارد، از اهمیت زیادی برخوردار است (سپهریان، محمدی، بدلیپور، نوروززاده، ۱۳۹۵). سازگاری زناشویی به طرفین اجازه می‌دهد تعارض‌ها را نادیده بگیرند و آنها را به شیوه‌ای مناسب حل و فصل کنند و به احساسی مثبت دست یابند. جملگی این مسائل به بهزیستی روانی در زوجین کمک می‌کند (شفیعی و فاتحی زاده، ۱۳۹۷). رابطه زن و شوهری، زیربنای عملکرد خانواده است و خانواده سالم، زیربنای سلامت جامعه است و ملاک تعیین کننده خانواده سالم، ازدواج موفق است (برجعلی، سهرابی، اسکندری و معتمدی، ۱۳۹۷). روان رنجورخویی یک رگه‌ی شخصیتی است که از خانواده و عملکرد اصلی خانواده ریشه می‌گیرد؛ با این حال نقش آن در باورهای ارتباطی زوجین در تحقیقات قبلی متناقض و ارتباط بین این دو شاخصه نامعلوم است. زوجین در آستانه‌ی طلاق، گروهی از اقشار جامعه محسوب می‌شوند که دارای شرایط خاصی هستند و از سایر زوجینی که قصد ادامه‌ی زندگی مشترک دارند متفاوت می‌باشند. این افراد در الگوهای ارتباطی خود با همسر به بن بست رسیده‌اند و تنها چاره حل این بن بست را جدایی می‌دانند. یکی از عوامل مهمی که این افراد را به بن بست می‌کشاند، باورهای ارتباطیشان می‌باشد. بنابراین، بررسی عوامل تعیین کننده و پیش‌بینی کننده‌ی باورهای ارتباطی زوجین در آستانه‌ی طلاق از اهمیت فراوانی برخوردار است. بی تردید از بین عوامل متعددی که میتواند باورهای ارتباطی این افراد را تعیین کند، شاخصه‌های بنیادی تری مثل عملکرد خانواده‌ی اصلی است که زوجین در بافتار آن بزرگ شده‌اند (تایلر، ۲۰۲۰). همچنین، به نظر می‌رسد که روان رنجورخویی از بین پنج عامل بزرگ و بنیادی شخصیت نقش مهمی در باورهای ارتباطی زوجین ایفا کند. چرا که افراد روان رنجورخو از هیجانات منفی اضطراب، افسردگی، خشم، حساسیت بین فردی، کینه توزی و آسیب پذیری به استرس رنج می‌برند و این هیجانات می‌تواند باورهای ارتباطی را به شکل منفی تحت تأثیر خود قرار دهد که این مساله به عنوان ضرورت تحقیق محسوب می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری منبع کنترل

اگر چه منبع کنترل یک خصیصه نسبتاً پایدار شخصیت می‌باشد، اما جهت گیری آن، بر اثر تجارب زندگی ممکن است تغییر پیدا کند. مثلاً منبع کنترل با افزایش سن، بیشتر، جنبه درونی پیدا می‌کند. چرا که افراد با افزایش سن بهتر می‌توانند رویدادهای زندگی خود را کنترل کنند و مسئولیت بیشتری در قبال زندگی حس می‌کنند (بارون^۵، ۱۹۹۱).

وقتی زندگی افراد بوسیله رویدادهای غیرقابل کنترل، دچار اغتشاش گردد یا تغییرات متناقض و آسیب‌زایی در زندگی آنها رخ می‌دهد. منبع کنترل آنها بیشتر در جهت بیرونی شدن سوق پیدا می‌کند. مثلاً زنان و مردانی که از هم جدا می‌شوند و یا اینکه شغل دوست داشتنی خود را از دست می‌دهند موضوع کنترل آنها از بعد درونی به سمت بیرونی مبل پیدا می‌کند یا وقتی که زنان و مردان به سن کهولت می‌رسند، چون نمی‌توانند کنترل زیادی بر روی محیط اعمال کنند منبع کنترل آنها به سمت بیرون تمایل پیدا می‌کنند (پهلویان و گونر^۶، ۲۰۱۹).

بررسی نظریه‌های مختلف منبع کنترل

دیدگاه شناختی

این دیدگاه به انگیزه‌های درونی اعتقاد دارد اما علت رفتار را به جریا نه‌ای شناختی و ذهنی که شخص از آنها آگاهی دارد می‌داند نه انگیزه‌های درونی که شخص از آنها بی اطلاع است راتر اعتقاد دارد که رشد ناراحتی-های افراد ناسازگار را باید در روابط آنان جستجو کرده او اظهار می‌دارد که نحوه فکر کردن افراد درباره وضعیتی که لازم است از عهده آن برآیند به رفتارشان تأخیر می‌بخشد. راتر به نحوه ی فکر کردن افراد درباره کنترل محیط توجه می‌نماید و معتقد است افرادی که دارای تمرکز یا کنترل درونی هستند فکر می‌کنند که کنترل کمی بر رویدادها دارند. کسانی که دارای تمرکز بیرونی هستند بیشتر مبتلا به اختلالات روانی هستند. بدین ترتیب کار درمانگر عبارت است از آموزش لازم به مراجعان برای قبول مسئولیت و تغییر کردن از حالت تمرکز بیرونی بر درونی یعنی کوشش در جهت تغییر مراجعان و تقویت کنترل درون آنان این عمل از طریق دوباره سازی فکر مراجعان درباره اوضاع و احوال و آموزش انجام دادن رفتارهای سازگاری و جدید امکان پذیر خواهد بود (کوئستنر^۷، ۲۰۱۸).

نظریه شخص‌شناسی مادی

تأثیر عوامل بیرونی: محیط زندگی هر کس محتوی عاملی است که در چگونگی اعمال و رفتار او تأثیر بسزا دارند نظریه شخص‌شناسی مادی در برابر نیاز که انگیزه درونی رفتار است به عوامل بیرونی یا محیطی و تأثیر آنها در رفتار نیز توجه دارد. رفتار شخصی فقط ناشی از نیاز مادیست. یعنی انگیزه‌های درونی او نیست بلکه محیط زندگی او اینکه او چگونه آنها را می‌بیند در این رفتار مؤثر است هر اندازه علاوه بر نیازهایی انگیزه‌های درونی شخصی از عوامل بیرونی و یا محیط او به خصوص اینکه او چگونه آنها را می‌نگرد و درک می‌کند (شفیعی و فاتحی زاده، ۱۳۹۷).

^۵ Baron

^۶ Pehlivan - Güner

^۷ Koestner Richard Otis, Nancy. Powers Theodore

موضوع رفتار گراها

رفتارگراها روی مشاهده ی رفتار کنونی شخص و ارتباط آن با محرک های پیشامد و محرک های پیامد متمرکز می شود. الگوهای پزشکی کوشش می کنند عوامل درونی که حدس زده می شود مسائل کنونی سازگار را به وجود می آورند. شخص سازنده رفتار گرا در صدد تعیین علل رفتار نمی باشد. مانند الگوهای دیگر او نیز در جستجوی علل می باشد. ولی در حالی که الگوهای دیگر علل را در رویدادهای درونی جستجو می نماید رفتارگراها سعی می کند آنها را در محیط پیدا نماید. به این دلیل برای او تحلیل عملی اهمیت زیادی قایل است (شفیعی و فاتحی زاده، ۱۳۹۷).

تصور راتر از ماهیت انسان

در مورد مسئله اراده آزاد در برابر جبر گرایی، به نظر می رسد که راتر طرفدار انتخاب آزاد است خصوصاً در مورد افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند. از تأکید راتر بر متغیرهای شناختی معلوم است که وی اعتقاد دارد ما می توانیم تجربیاتمان را تنظیم و هدایت کنیم و رفتارهایمان را انتخاب نمائیم. ما ممکن است تحت تأثیر متغیرهای بیرونی باشیم اما می توانیم ماهیت و تعداد آن تأثیر را شکل دهیم. افراد دارای منبع کنترل بیرونی احساس کنترل را درک نمی کند امکان اداره ی آزاد برای آنها وجود ندارد، بلکه معتقدند توسط نیروی بیرونی کنترل می شوند. از نظر راتر، قسمت اعظم آموخته می شود، بنابراین او به عوامل ژنتیکی توجه کمی داشت عمدتاً این تربیت است، نه طبیعت تجربه ماست، نه وراثت مان که رفتارها را هدایت می کند (راتر، ۱۹۶۶).

بررسی شکل گیری منبع کنترل

راتر در بیان مفهوم منبع کنترل، به دو بعد فرضی درونی و بیرونی اشاره دارد. گروهی که موفقیت ها و شکست های خود را عموماً به شخص خود (کوشش یا توانایی شخصی) نسبت می دهند، افراد دارای منبع کنترل درونی نامیده شده اند و گروه دوم که موفقیت ها و شکست های خود را معمولاً به عوامل بیرون از خود (بخت و اقبال یا دشواری موقعیت ها) نسبت می دهند، افراد دارای منبع کنترل بیرونی نام گرفته اند (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳). اگر والدین به خصوص مادر رفتارهای استقلال طلبانه کودک را مورد تشویق قرار دهد کودک واجد منبع کنترل درونی می شود. افزون بر آن اگر والدین خودشان دارای منبع کنترل درونی باشند و از فرزند خود محافظت کنند مهربان باشند و پذیرش بیشتری نسبت به رفتارهای خود داشته باشد فرزند را پرورش خواهد داد که دارای منبع کنترل درونی می باشد. والدینی که تا حد زیادی انتظارات درونی از فرزند خود داشته باشند و به فعالیت های او پاداشی دهند. فرزند آنها دارای منبع کنترل درونی می شود. به این دلیل که در چنین موقعیت هایی مهم ترین نکته ای که کودک می آموزد تقویت های محتمل الوقوع در ارتباط با رفتار خود می باشد ولی چنانچه والدین رفتارهای مهار کننده، طرد کننده و همراه با انتقادگری و خصومت آمیز نسبت به فرزند خود اعمال دارند و آن صورت فرزند آنها واجد منبع کنترل بیرونی خواهد شد (گری^۸، ۲۰۱۴). مطالعات دیگر بیان کننده این امر است که در خانواده های گسترده فرزند آخر در مقایسه با خواهران و برادران خود بیشتر واجد کنترل درونی می شوند. چرا که در چنین موقعیتی همه ی اعضاء خانواده رفتارهای کودک تقویت یا تنبیه قرار می دهند. به عبارت دیگر در مقابل رفتارهای خود بازخوردهایی از طرف همه ی اعضای خانواده دریافت می دارد به همین خاطر واجد کنترل درونی می گردند. (بارون، ۱۹۹۱). تحقیقات دیگر نشان می دهد که درونی بودن باسن افزایش می یابد چون کمتر کسی که بزرگتر می شود بیشتر می تواند بر رویدادهای زندگی داشته باشد، پذیرفتن مسئولیت نیز درونی بودن را در آدمیان افزایش می دهد. حوادث غیر قابل کنترل نیز موجب می شود که مردم بیشتر بیرونی شوند مثلاً زنی

که مورد سوء رفتار قرار گرفته است و یا طلاق داده می‌شود و یا شخصی که شغل خود را از دست می‌دهد در جهت گیری بیرونی در آنها افزایش می‌یابد (رییسی، کاووسیان و صفی زاده، ۱۳۹۶).

مفاهیم نظری سازگاری زناشویی

روابط رضایت بخش در بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل سنجش است. در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد. این مؤلفه یک فرایند تکاملی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مراوده‌ای است (اتکینسون و مارتین^۹، ۲۰۲۰). سازگاری یک حالت هیجانی است که با رسیدن به هدف پدید می‌آید. از سازگاری زناشویی تعاریف مختلفی ارائه شده است. سازگاری یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف فوق سازگاری زناشویی در واقع نگرش و احساس مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی دارند. سازگاری فرد از رابطه زناشویی موجب سازگاری وی از خانواده شده و سازگاری از خانواده در حکم سازگاری از کل زندگی می‌گردد (فاضل همدانی، ۱۳۹۸). سه زمینه کلی سازگاری وجود دارد که با یکدیگر تداخل داشته و وابسته به یکدیگر می‌باشند که شامل:

(الف) سازگاری افراد از ازدواج خود (ب) سازگاری از زندگی خانوادگی و (ج) سازگاری از زندگی بطور کلی می‌گردد. هاپکینز^{۱۰} (۱۹۹۸) سازگاری زناشویی را یک خصوصیت فردی زن و شوهر تلقی می‌کند که نگرشی مثبت و لذت بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند و ناسازگاری زناشویی در واقع نگرشی منفی و ناخوشایندی از جنبه‌های مختلف زناشویی است (افشاری، ۱۳۹۷).

کارلسون (۲۰۱۴) معتقدند سازگاری از رابطه فرد به کیفیت رابطه بستگی دارد. اگر رابطه ی مطلوب بود و با امیدها و انتظارات هماهنگ باشد، رابطه سازگاری بخش خواهد بود. البته ادراک فرد از مطلوبیت یک رابطه، سازگاریمندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در این میان ممکن است رابطه، منافی هم برای فرد داشته باشد ولی او رابطه را سازگاری بخش نداند (رحیم پور، صبحی و نریمانی، ۱۳۹۶).

سازگاری زناشویی را در توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسائل حادی به بار آورد، مثلاً علایق و فعالیت‌های مشترک، ابراز علاقه مندی مکرر و اعتماد متقابل، شکوه و شکایت اندک و شکایت نادر از اساس تنهایی، سیه بختی، رنجش و مانند اینها می‌باشد. در واقع این پدیده عمر زن و شوهر را طولانی تر و باعث افزایش سلامت جسمانی و روانی، پیشرفت اقتصادی و سازگاری از کل زندگی می‌گردد. سازگاری زناشویی از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش و درک متقابل و ارضای نیازها ایجاد می‌گردد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸).

عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی

۱- عوامل شناختی، باورهای غیرمنطقی، اسنادهای ناسازگار و تعبیر و تفسیرهای غلط ۲- عوامل هیجانی و عاطفی ۳- عوامل فیزیولوژیکی و بدنی ۴- الگوهای رفتاری ۵- حمایت اجتماعی ۶- خشونت ۷- وجود فرزند ۸- تاریخچه زندگی و ویژگی‌های فردی ۹- استرس ۱۰- مسائل اقتصادی ۱۱- مذهب ۱۲- نوع رابطه زوجین ۱۳- ساختار قدرت و سازگاری مندی زناشویی ۱۴- آداب و سنن اجتماعی- فرهنگ و زبان و هنجارها و تفاهم فکری و توافق مذهبی ۱۵- ملاک‌های همسرگزینی ۱۶- شیوه‌های همسرگزینی (افشاری، ۱۳۹۷).

⁹ Atkinson & Martin

¹⁰ Hopkins

رابطه زناشویی که زیربنای نظام خانواده می‌باشد در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است. حال چنانچه انتخاب همسر بر پایه شناخت و به کارگیری معیارهای حساب شده و عمیق‌تری صورت گیرد، احتمال این که زندگی در مسیر سازنده تری بیفتد و عشق در پیری به پختگی و شیرینی خاصی برسد بیشتر است. لذا دختران و پسران جوانی که می‌خواهند ازدواج نموده و تشکیل خانواده دهند با آگاهی از این ملاک‌ها و عوامل می‌توانند در انتخاب خود دقت لازم را نموده و با انتخاب صحیح، یک زندگی راحت، آرام و سازگاری بخش را برای خود و فرزندان‌شان به وجود بیاورند. در بررسی‌های مربوط به عوامل مؤثر در سازگاری زناشویی در منابع متعدد به موارد گوناگونی اشاره شده که به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸).

همکاری

همکاری عبارت است از اقدام مشترک برای دستیابی به هدف‌های مورد نظر یک زوج، و با از خود بیخود شدن‌های رمانتیک متفاوت است. در یک ازدواج منطقی ممکن است علائق و هدف‌های زن و شوهر متفاوت باشد، اما راه رسیدن به توافق مذاکره ی آنها باهم است. مثلاً در زمینه تقسیم کار یا تربیت فرزندان برای دستیابی به هدف بلندمدت‌تر یعنی برخورداری از روابط لذت بخش و با ثبات، بحث و مذاکره بسیار مفید است. بعضی از زوجها درباره ی تقسیم وظایف و اینکه هر کدام از آنها موظف به انجام چه مسئولیت‌هایی هستند، اختلاف پیدا می‌کنند. امروزه با تغییر تدریجی نقش‌های زن و مرد، تعیین مسئولیت‌های زن و شوهر در قبال هم دشوار شده و با پدیدار شدن مسئولیت دوگانه برای زن (کار در بیرون و وظایف درون خانه) زن و شوهر باید در کار تأمین درآمد و انجام وظایف خانه داری، با هم مشارکت کنند. این تحول در بعضی از زمینه‌ها و به خصوص در مواردی که نقش یک نفر نامشخص است، مشکلاتی ایجاد می‌کند.

مسائل مالی و اقتصادی

فشارهای اقتصادی نیز در زمره ی عوامل مهم در بروز ناسازگاری زناشویی است. زن و شوهری که تحت فشار روانی ناشی از فقر اقتصادی قرار دارند، درگیر مسائل مختلفی می‌شوند. این عوامل فشارزا، تعارض‌های زناشویی و مشکلات موجود زناشویی را افزایش می‌دهد. زوج ممکن است از نظر روانی درگیر مسائل مالی خانواده گردند. آنها ممکن است به دلیل ساعات طولانی کار و تلاش برای پرداخت هزینه‌های زندگی، وقت کمتری را به یکدیگر اختصاص دهند و در نتیجه وقت و انرژی کمتری نیز صرف مسائل خانوادگی می‌کنند. مشکلات اقتصادی ممکن است نسبت به همسر خصومت ایجاد کند صرفاً به این دلیل که نتوانسته امکانات مالی مناسبی را برای خانواده فراهم کند. با افزایش این خصومت گرما و صمیمیت و کیفیت خوب زندگی زناشویی کاهش یافته و از روابط لذت بخش نیز کاسته می‌شود (کریمی و اسمعیلی، ۱۳۹۹).

نیاز جنسی یکی از نیازهای طبیعی بشر است که توسط همسر قانونی برآورده می‌شود. توافق در زمینه چگونگی و کیفیت برقراری رابطه جنسی و به تبع آن احساس سازگاری متقابل حاصل از آن در تأمین سازگاری زناشویی و ارتقاء سطح سلامت روانی زن و شوهر بسیار مؤثر است. سیدنی بلاچ به روابط جنسی به عنوان یکی از عوامل مهم در سازگاری یا ناسازگاری زناشویی اشاره می‌کند. او معتقد است که رابطه جنسی در هریک از مراحل سه گانه زندگی زناشویی (مرحله نخست پنج سال اول زندگی، مرحله دوم دوران رشد فرزندان، مرحله سوم هم زمانی است که زن و شوهر مجدداً تنها می‌مانند)، ممکن است به شکلی دچار اختلال گردد که به نوبه خود موجب ناسازگاری از زندگی زناشویی می‌گردد.

بعد دیگر مربوط به نقش عوامل جنسی در سازگاری یا عدم سازگاری زناشویی به اهمیت سازگاری زن و مرد با نقش جنسی خود اشاره دارد. به نوشته سیرز (۲۰۱۶) هراندازه مفاهیم جنسی و نقش جنسی تعریف شده برای زن و مرد روشن تر باشد وظایف آنان در ایفای نقش خود ساده تر خواهد بود. وجود مفهوم‌های مخالف مربوط به نقش‌های جنسی نیز به احساس تردید،

سردرگمی و اضطراب و بیهودگی منجر می‌گردد. به ویژه اگر یکی از طرفین (شوهر یا زن) از نقشی که جامعه برایش در نظر گرفته ناراضی باشد. چنین امری به احساس پوچی و بیهودگی در روابط زناشویی دامن زده و انگیزه‌های زندگی زناشویی را تضعیف می‌کند. از آنجائی که سردرگمی نقش برای زنان بیشتر از مردان است، مشکلات سازگاری آنان نیز در این زمینه بیشتر می‌گردد (فاضل همدانی، ۱۳۹۸). دخالت‌های زیاد اعضای خانواده همسر در زندگی زوجین می‌تواند سازگاری از زندگی زناشویی را کاهش دهد. عامل دیگری که تأثیر زیادی بر سازگاری و سازگاری زناشویی دارد، مساله سازگاری زن و شوهر با بستگان همسر است. این یک واقعیت است که همراه با ازدواج هر فرد جوان صاحب تعدادی از وابستگان جدید می‌شود. چنین افرادی دارای سنین، علائق و همینطور سوابق فرهنگی و اجتماعی متفاوتی هستند که هریک از زوجین باید سازگاری با این اشخاص را که مورد انتخاب او نبوده اند را یاد بگیرد. این عامل در کنار عامل مربوط به دخالت‌های نابجای خانواده‌ها در امور همسران تأثیر زیادی بر ناسازگاری خانوادگی می‌گذارد. ناخشنودی از روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه به دلیل استقلال بیشتری که افراد نسبت به گذشته در رفتار و روابط خود بدست آورده اند، انتظار دارند که هنگام ازدواج نیز استقلال کامل داشته باشند. از این رو، کمتر پذیرای راهنمایی و هدایت والدین و یا سایر اطرافیان بوده و اجازه دخالت به بزرگترها را نمی‌دهند. در این شرایط بدون شک گرایش بیش از اندازه هر یک از همسران به خانواده خود و توجه بیشتر به ایشان موجبات ناسازگاری در زندگی زناشویی را فراهم می‌آورد. این امر به ویژه زمانی تشدید می‌گردد که زوجین به موقعیت اجتماعی جدیدی دست می‌یابند و رفتار والدین و اطرافیان خود را ممکن است مناسب شأن خود ندانند (فاضل همدانی، ۱۳۹۸).

زمینه‌های اصلی سازگاری زناشویی

درک کیفیت و ارزش ازدواج وسیله ای برای درک اثرات آن بر روی تمام فرایندهای داخل و خارج خانواده است. از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزئیات سازگاری زناشویی و درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص است. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، مطالعات علمی پیرامون سازگاری زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرد و محققین موضوع سازگاری زناشویی را با تأکید بیشتر بر جنبه‌هایی از تعاملات زناشویی که کمتر محسوس و قابل مشاهده هستند، ادامه دادند (شامل تفسیر رفتارهای متقابل، هیجانات تجربه شده و پاسخ‌های فیزیولوژیکی به تعاملات). همچنین در این دوره به الگوهای کلی تعاملات زوجها و ابعاد اجتماعی آن که نادیده گرفته شده بود و نیز به خشونت‌های زناشویی توجه بیشتری شد (رحیم پور، صبحی و نریمانی، ۱۳۹۶).

مفاهیم نظری روان رنجور خویی

از کاظ آمدترین و جامع‌ترین نظریه‌های مطرح شده در باب شخصیت، نظریه پنج عاملی کاستم و مک کری است. براساس این دیدگاه شخصیت ساختاری دارای سلسه مراتبی با ۵ بعد اصلی در بالاترین مرتبه به اجزا یا صفات رده پایین است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸).

پنج عامل شخصیتی عبارتند از:

روان نژندگرایی / روان رنجور خویی / ثبات عاطفی (N)^{۱۱}:

روان نژند گرایی به معنی گرایش به تجربه هیجانات منفی در مقابل ثبات هیجانی و خونسردی می باشد. روان نژندگرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خود خوری، خصومت، تکانش گری، کم رویی، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می شود (حشمتی، پوراسمعیلی، پرنیان خوی، ۱۳۹۸).

¹¹ neuroticism

برون گرایی (E):^{۱۲}

برونگرایی تمایل به مثبت بودن، قاطعیت، تحرک مهربانی و اجتماعی بودن است بیانگر وجود رویکردی پر انرژی به جهان مادی و اجتماعی در فرد می باشد که ویژگی‌هایی چون مردم آمیزی، فعال بودن، قاطعیت و جرئت را شامل می شود. افراد برون‌گرا؛ اجتماعی، خوش مشرب و قاطع هستند؛ در حالی که افراد درون‌گرا؛ خوددار، ترسو، کم حرف، کم رو و محتاط هستند (ترک زاده، ۱۴۰۱).

تجربه پذیری / پذیرا بودن نسبت به تجارب / گشودگی (O):^{۱۳}

تجربه پذیری تعاریف متعددی دارد. مهمترین آن به علائقه اشخاص در راستای کنجکاوی، عشق به هنر، هنرمندی و خردورزی گفته میشود. این عامل اشاره به علاقه و شیفتگی فرد به پدیده‌ها و تجربیات جدید دلالت داشته است. توصیف کننده گستردگی، عمق، پیچیدگی و خلاقانه بودن زندگی ذهنی و تجربه ی فرد، در مقابل داشتن ذهنی بسته می باشد. افرادی که در آن طرف طیف قرار می گیرند پیرو سنت بوده و در شرایط آشنا، راحت تر بوده است (بیات، ۱۴۰۰).

تجربه پذیری عبارت است از تمایل به کنجکاوی، هنر نمایی، خردورزی، انعطاف پذیری، روشنفکری و نوآوری (گلعلی پور، ۱۳۹۴).
دلپذیر بودن / سازش پذیری / روحیه توافق پذیری (A):^{۱۴}

دلپذیر بودن به علاقه برای از خودگذشتگی، عطف و مهربانی، همدلی و وفاداری گفته می شود (حشمتی و همکاران، ۱۳۹۸). این متغیر بیان گر جهت گیری اجتماعی در برابر نگرش نامناسب و دشمنانه در مقابل سایر افراد است. این عامل اشاره به احترام به دیگران و افراد سازگار نیز دارد و در مقابل، افراد ناسازگار، سرد، رقابتی و ستیزه جو هستند (پهلویان و گونر، ۲۰۱۹).

وجدان گرایی / وظیفه شناسی (C):^{۱۵}

وجدان گرایی نیز عبارت از تمایل به سازمان دهی، کار آمدی، قابلیت اعتماد و تعمق است. وجدان گرایی مشخص کننده قدرت کنترل تکانه‌ها، به نحوی که جامعه مطلوب می داند و تسهیل کننده رفتار تکلیف محور می باشد که این مساله از ویژگی‌های مهم وجدان گرایی بوده است.

وظیفه شناسی ویژگی‌هایی چون تفکر قبل از عمل، به تأخیراندازی ارضای خواسته‌ها، رعایت قوانین و هنجارها و سازماندهی و اولویت بندی تکالیف رادر بر می گیرد. این مساله مهم به انگیزه انسان در راستای منظم بودن، خود نظم بخشی، بر می گردد (ابراهیمی و آقائی، ۱۴۰۱).

روان نژندی:

روان نژندی تحت تاثیر سیستم عصبی خودکار قرار دارند. تلقین پذیر و در اندیشه و عمل کند هستند. به گفته زاکرمن^{۱۶} (۱۹۸۹)، اضطراب و خشم عامل تهییج پذیری گرایش به روان نژندی را تشکیل می دهد. روان رنجوری یا تقابل سازگاری یا ناسازگاری، موثرترین قلمرو مقیاس‌های شخصیت است.

تمایل عمومی به تجزیه عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت مجموعه حیطة روان رنجوری (N) را تشکیل می دهد. افراد با نمره بالا در این حیطة، مستعد داشتن عقاید غیر منطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و خیلی ضعیف تر از دیگران با استرس کنار می آیند. روان رنجوری یا نوروتیسیزم یا سرشت مضطرب، یکی از صفات شخصیتی بنیادین است که با اضطراب، ترس، بدخلقی، نگرانی، حسادت، یأس، غیرت و احساس تنهایی شناخته می شود. واکنش افراد مبتلا به عوامل استرس‌زا ضعیف است و احتمال اینکه اوضاع عادی را تهدیدآمیز و ناکامی‌های کوچک را

¹² extraversion¹³ openness¹⁴ agreeableness¹⁵ conscientiousness¹⁶ Zukerman

به یأس شدید تعبیر کنند، زیاد است. پیر ژانه روان‌شناس مشهور قرون ۲۰-۱۹ فرانسه، روان‌رنجوری یا نوروتیسیزم را ضعف انرژی روانی دانسته و چنین تعریف کرده است: «ناتوانی در تحقق بخشیدن به رفتارهایی که در دنیای بیرون اثر می‌گذارند. انسان روان‌رنجور، زمان خود را به انجام دادن رفتارهایی کم‌ارزش محدود می‌کند، به ویژه رفتارهایی که درونی شده‌اند. ناتوانی در انتخاب، به ویژه در هنگام تصمیم‌گیری، یکی از عناصر اصلی روان‌رنجوری است.» اما در تفسیر دقیق و صریح انسان نوروتیک، دشواری‌هایی وجود دارد. از دیدگاه روان‌شناسان بالینی، باید ریشه‌های روان‌رنجوری را در تاریخ زندگی اشخاص و در احساس‌های آن‌ها جستجو کرد. عقیده‌ی بیشتر روان‌شناسان این است که برای روان‌رنجوری نوعی آمادگی ارثی لازم است تا همه‌ی رفتارهای شخص را در جهت این آمادگی سوق دهد. در بین تمایلاتی که اشخاص روان‌رنجور نشان می‌دهند، می‌توانیم در درجه‌ی نخست به سختی انتخاب‌ها اشاره کرد که در رفتارهای کم‌اهمیت و موقعیت‌های بسیار مهم زندگی به یک اندازه جلوه‌گر می‌شود. در تضاد با آنچه گفته شد، می‌توانیم بگوییم در افراد نوروتیک، خشن بودن، دقت بسیار زیاد و نوعی وسواس دیده می‌شود. آن‌ها در نتیجه‌گیری از رفتارها هم دشواری دارند که می‌تواند از اختلال در یکپارچگی کارها ناشی شود (داودی، ۱۳۹۸).

علائم افراد روان نژندی

روان نژندان معمولاً ناخوشنود و مضطربند و از خودشان و دیگران راضی نیستند و مدام نسبت به وجود و اعمال خود، احساس گناه و حقارت می‌کنند. این اشخاص ممکن است بدانند که رفتارشان نابهنجار است، اما قادر به تغییر آن نیستند. با این وجود، شخصیتشان چندان به هم نریخته و از واقعیت فاصله نگرفته‌اند. آنها دچار توهم و هذیان نیستند اما در اکثر آنها، عاداتی مثل خشم سرکوب شده، وابستگی به دیگران، جلب توجه، احساس حقارت و گناه و اضطراب و ترس به چشم می‌خورد که خود این علائم سبب ناسازگاری فرد با جامعه است. افراد روان نژند غالباً عصبی، تحریک پذیر و کم تحمل هستند و گاهی اوقات خشونت‌های شدیدی از خود نشان می‌دهند. نشانه‌های جسمی نوروهای کودکی: نشانه‌های جسمی نوروهای کودکی، به صورت شب ادراری، لکنت زبان، تیک تجلی می‌کند. نوروهای کودکی، در محیط خانواده بهتر از محیط‌های دیگر شناخته می‌شود. کودکان نوروتیکی، در ارتباط با دیگران، مناسب‌ترین جنبه رفتار خود را نشان می‌دهند و نامناسب‌ترین جنبه شان را برای خانواده نگه می‌دارند (پهلویان و گونر، ۲۰۱۹).

روش انجام پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، پژوهشی بنیادی و از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه معلمان متاهل شهر شیراز بوده است. طبق جدول مورگان تعداد نمونه آماری برای توزیع پرسشنامه میان نمونه آماری ۲۰۶ نفر محاسبه شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه می‌باشد که شامل موارد زیر می‌باشد:

پرسشنامه منبع کنترل هانا لوینسون (۱۹۷۳)

این مقیاس از ۲۴ عبارت تشکیل شده است که توسط لوینسون در سال ۱۹۷۳ تهیه شده است. این پرسشنامه شامل تعداد ۲۴ سوال درباره نگرش است. هر سوال به یک نظر رایج مربوط می‌شود. پاسخگویی به سوالات آن به صورت طیف لیکرت ۶ درجه ای به این شکل می‌باشد: (خیلی موافق=۶، تا اندازه ای موافق، کمی موافق، کمی مخالف، تا اندازه ای مخالف و خیلی مخالف=۱). محبی نیا (۱۳۹۸) نشان داده است که نمره کل مقیاس با آلفای کراباخ ۰.۹۷٪ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. این

مقیاس با روش‌های منطقی روایی محتوا چک شد. مقیاس مربوطه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته شده نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است (کمالی نیا، ۱۳۹۸).

پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶)

پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر توسط اسپانیر در سال ۱۹۷۶ منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دو نفری که باهم زندگی می‌کنند تنظیم شده است. این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. این ابزار برای دو هدف ساخته شده است. می‌توان با به دست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد را می‌سنجد که عبارتند از: رضایت دو نفری (میزان رضایت از جنبه‌های مختلف رابطه)، همبستگی دو نفری (میزان مشارکت در مناسبت‌های مشترک)، توافق دو نفری (میزان توافق طرفین در مسائل مربوط به رابطه زناشویی مثل امور مالی، تربیت بچه‌ها و ...) و ابراز محبت. مقیاس نمره‌گذاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه بندی به دست می‌دهد. نمرات بالاتر نشان دهنده رابطه بهتر و سازگارتر است. سؤالات خرده مقیاس‌ها از این قرار است:

رضایت زناشویی: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲؛

همبستگی دو نفری: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸؛

توافق دو نفری: ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵؛

ابراز محبت: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰.

نمره‌گذاری بر اساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود. مطالعات ترخان (۱۳۹۶) نشان داده است که نمره کل مقیاس با آلفای کرانباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دونفری ۹۴٪، همبستگی دو نفری ۸۱٪، توافق دو نفری ۹۰٪ و ابراز محبت ۷۳٪. در پژوهش سعیدی (۱۳۹۸) نیز پایایی این مقیاس، از طریق آلفای کرانباخ به میزان ۹۴٪ به دست آمد.

پرسشنامه روان رنجور خویی کاستا و مک کری (۲۰۰۴)

به دلیل ایراداتی که بر نظریه بودنر وارد بود باعث شد کاستا و مک کری در سال ۲۰۰۴ پرسشنامه ای را برای روان رنجور خویی تهیه کند و دارای ۱۲ گویه است. شرکت کننده به هر یک از سؤالات توسط یک مقیاس ۵ ارزشی از (کاملاً موافق=۵) تا (کاملاً مخالف=۱) پاسخ می‌دهد. کمترین نمره ۱۲ و بیشترین نمره ۶۰ و نقطه برش ۳۰ است. این پرسشنامه توسط کاستا و مک کری (۲۰۰۴) برای همبستگی پنج زیرمقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ می‌باشد. همچنین همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ برآورد شده است. سبحانی نیا (۱۳۹۸) با استفاده از روش آلفای کرانباخ ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۸۲ گزارش کرده است. فیضی، محبوبی، زارع و مصطفایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود روایی پرسشنامه روان رنجورخویی را از طریق روایی سازه ۰/۴۸ و ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرانباخ ۰/۸۵ گزارش دادند. در پژوهش عالی پور، عباسی و میردريکوند (۱۳۹۷) پایایی این ابزار به شیوه آلفای کرانباخ را ۰/۸۰ گزارش داده است.

یافته‌ها

میان منبع کنترل با سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب پیرسون منبع کنترل و سازگاری زناشویی

سازگاری زناشویی		
۰.۱۱۷	ضریب همبستگی	منبع کنترل
۰.۰۰۱	سطح معناداری	
۱۲۰	تعداد مشاهدات	

یافته‌های آزمون پیرسون نشان داد فرضیه تایید شده بین منبع کنترل و سازگاری زناشویی رابطه معنادار و مستقیمی با ضریب همبستگی ۰.۱۱۷ وجود دارد ($P < 0.05$). به این معنی که با بهبود منبع کنترل، سازگاری زناشویی آزمودنی‌ها نیز افزایش می‌یابد.

میان منبع کنترل با روان رنجورخویی رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب پیرسون منبع کنترل و روان رنجورخویی

روان رنجورخویی		
-۰.۱۳۶	ضریب همبستگی	منبع کنترل
۰.۰۰۱	سطح معناداری	
۱۲۰	تعداد مشاهدات	

یافته‌های آزمون پیرسون نشان داد فرضیه تایید شده بین منبع کنترل و روان رنجورخویی رابطه معنادار و معکوس با ضریب همبستگی منفی ۰.۱۳۶ وجود دارد ($P < 0.05$).

نتایج

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان داد بین منبع کنترل و سازگاری زناشویی رابطه معنادار و مستقیمی با ضریب همبستگی ۰.۱۱۷ وجود دارد ($P < 0.05$). به این معنی که با بهبود منبع کنترل، سازگاری زناشویی آزمودنی‌ها نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های ضریب تعیین نشان داد منبع کنترل به میزان ۰.۰۱۴ درصد، سازگاری زناشویی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. تحلیل رگرسیون نشان داد فرضیه تایید شده منبع کنترل قادر است سازگاری زناشویی را به صورت معنادار و مستقیم با ضریب بتای ۰.۱۱۷ پیش‌بینی کند ($P < 0.05$). یافته‌های به دست آمده از این فرضیه، با مطالعه شفیع و فاتحی زاده (۱۳۹۷)، ریسی و همکاران (۱۳۹۶)، عبدالحسینی و ابویی (۱۳۹۴)، اصغری نیا و آزادمرد (۱۳۹۴) و بروفی و کورنر (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.
- یافته‌های آزمون پیرسون نشان داد بین منبع کنترل و روان رنجورخویی رابطه معنادار و معکوس با ضریب همبستگی منفی ۰.۱۳۶ وجود دارد ($P < 0.05$). به این معنی که با بهبود منبع کنترل، روان رنجورخویی آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد. یافته‌های ضریب تعیین نشان داد منبع کنترل به میزان ۰.۰۱۸ درصد، روان رنجورخویی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. تحلیل رگرسیون نشان داد فرضیه تایید شده منبع کنترل قادر است روان رنجورخویی را به صورت معنادار و معکوس با ضریب بتای منفی ۰.۱۳۶ پیش‌بینی کند ($P < 0.05$). یافته‌های به دست آمده از این فرضیه، با مطالعه آدریان و همکاران (۲۰۲۱)، تایلر (۲۰۲۰) و پهلوان و گونر (۲۰۱۹) همسو می‌باشد.
- رضایت زناشویی مولفه‌های مختلفی همچون گیرایی دوسویه و زن شوهر از رفتار و ویژگیهای یکدیگر، نگرش آنها نسبت به نقش و ارتباط در زندگی زناشویی، شیوه حل کشمکش‌ها، میزان رضایت از اداره مالی خانواده، همداستانی در نحوه استفاده از اوقات فراغت، خشنودی از روابط جنسی و عاطفی، توافق درباره داشتن فرزند و درک واقع گرایانه از تأثیر فرزندان بر روابط

زناشویی، هماهنگی احساس، وابستگی‌های مربوط به دوستان و خویشاوندان، رضایت از نقش‌های مختلف زناشویی و باورها و اعمال مذهبی در زندگی زناشویی دارد. رابطه زن و شوهری، زیربنای عملکرد خانواده است و خانواده سالم، زیربنای سلامت جامعه است و ملاک تعیین کننده خانواده سالم، ازدواج موفق است. افرادی که ازدواج موفق دارند، سطح بالاتری از سلامت عمومی را نشان می‌دهند. از احساس بهزیستی بالاتری برخوردارند و کمتر به بیماری‌های مزمن دچار می‌شوند. ناسازگاری زناشویی و فروپاشی خانواده، هزینه‌های گزافی پدید می‌آورد. زوج‌هایی که ناسازگاری زناشویی دارند بیشتر احتمال دارد دچار درگیری لفظی و فیزیکی، خشونت خانگی، روابط جنسی بدون صمیمیت، اعتیاد به مواد مخدر، سوء رفتار با همسر، خیانت به همسر، اضطراب، افسردگی و خودکشی شوند و از مشکلات پزشکی حاد و مزمن چون کارکرد ایمنی مختل و فشار خون و چربی خون بالا رنج ببرند و نسبت به رفتارهای پر خطر مثل بیماری‌های مقاربتی جنسی و تصادفات آسیب پذیرتر گردند. از نشانه‌های ازدواج موفق، سازگاری و رضایت زناشویی است. سازگاری زناشویی، وضعیتی است که زوجین از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن، احساس شادمانی و رضایت دارند و موجب حاکم شدن آرامش بر خانواده و کارایی بهتر خانواده و فرزندان و افزایش عملکرد آنها در جامعه می‌گردد. زوج‌های دارای ویژگی روان رنجورخویی نشانه‌های ناسازگاری و نارضایتی زناشویی را از خود بروز می‌دهند، روش‌های ارتباطی مخرب (انتقاد کردن، سرزنش کردن، شکایت کردن، غرغر کردن، تهدید کردن، تنبیه کردن و باج دهی برای کنترل دیگری) را برای کنترل یکدیگر به کار می‌برند. در نتیجه، پس از مدتی هر دو نفر از زندگی مشترک احساس ناخشنودی و بدبختی می‌کنند. از عواملی که در روابط زندگی زناشویی نقش دارد روان رنجورخویی، بدبینی زوجین می‌باشد. تبدیل روان رنجورخویی به خوشبینی، از تأثیر مخرب مشاجرات روزانه بر سلامت روان و سلامت جسمانی جلوگیری می‌کند. رابطه زناشویی موفق باعث شادمانی و ایجاد خلق مثبت در فرد می‌شود. خلق مثبت خوش بینی و شادکامی‌تواسته سهم زیادی در تبیین رضایتمندی و سازگاری زناشویی داشته باشد. در روابط صمیمانه بین افراد، روان رنجور خویی می‌تواند رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی از این روابط را به طور منفی و معکوس پیش بینی کند. سازگاری زناشویی به طرفین اجازه می‌دهد تعارض‌ها را نادیده بگیرند و آنها را به شیوه ای مناسب حل و فصل کنند و به احساسی مثبت دست یابند. جملگی این مسائل به بهزیستی روانی در زوجین کمک می‌کند. زوج‌هایی که از روان رنجور خویی رنج می‌برند، به میزان زیادی در معرض تسخیر هیجانی اند، کارهایی که همسرشان انجام می‌دهد آنها را متاثر، ناراحت یا دل‌سرد می‌کند و هر کدام فکر می‌کند همسرش به طور ذاتی نقایصی دارد که نمی‌توان آن را تغییر داد و همیشه به فلاکت منجر می‌شود. از دیگر عواملی که بر افزایش سازگاری زناشویی موثر است، مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر منبع کنترل درونی می‌باشد. روان شناسی کنترل درونی بر این اندیشه استوار است که زوجین خودشان مسئول انتخاب‌ها، تصمیم گیری‌ها، هدف‌ها و میزان رضایت‌مندیشان در زندگی خویش هستند. رویدادهای خارجی و دیگران بر ما کنترل ندارند، مگر آنکه خود اجازه دهیم آنان ما را کنترل کنند. در هر ارتباطی از هر نوع و شکلی، هرکس صرفاً می‌تواند خود را تغییر دهد و نه دیگری را. هرچه افراد بکوشند رفتار خود را تغییر دهند نه آنکه دیگران را، روابط بین آنان بهتر و بهبود خواهد یافت. در این رویکرد بهترین شیوه بهبود رابطه زن و شوهر از طریق انتخاب روش‌های ارتباطی مفید و سازنده روان شناسی کنترل درونی (گوش کردن، حمایت کردن، تشویق نمودن، احترام گذاردن، اعتماد کردن، پذیرفتن فرد همان گونه که هست و گفتگوی همیشگی بر سراختلافات) است. افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند بیش از افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند، از زندگی مشترک احساس رضایت می‌کنند.

منابع

- [۱] آزاد عبدالله پور، محمد و شکری، امید و تقی لو، صادق و طولابی، سعید و فولادوند، دیجه، (۱۳۹۱)، تغییرناپذیری جنسی روابط بین روان رنجور خویی، برون گرایی، سبک‌های مقابله، تنشگرهای تحصیلی و واکنش به آن با بهزیستی ذهنی.
- [۲] ابراهیمی، علیرضا و آقائی، حکیمه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین رضایت شغلی و رضایت زناشویی با شخصیت و سواسی بین پرستاران مرد و زن، هفتمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در مدیریت، روانشناسی و آموزش و پرورش، تهران.
- [۳] ارجمندنی، افروز، نامی. (۱۳۹۲). مقایسه استرس و رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی ادراک شده در والدین کودکان عقب مانده ذهنی و کودکان عادی در گلستان. مجله آموزش ویژه. ۳: ۱۱۶.
- [۴] اصغری نیا، فرشته و آزادمراد، شهنام. (۱۳۹۴). رابطه امید، خوش بینی و منبع کنترل با خودکارآمدی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان ارومیه. اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.
- [۵] برقی، زیبا و علیپور، احمد. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سلامت روان با باورهای مذهبی، منبع کنترل و خوش بینی استادان دانشگاه، معرفت در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۳.
- [۶] بشارت، محمد علی، عبدالمنافی، عاطفه و فراهانی، حجت الله. (۱۳۹۰)، نقش تعدیل کننده منبع کنترل در رابطه بین خشم و افسردگی در بیماران مبتلا به اختلال افسردگی اساسی، روانشناسی معاصر، دوره شش، شماره ۲.
- [۷] بیات، محدثه. (۱۴۰۰). پیش بینی اضطراب فراگیر در افراد روان رنجور بر مبنای تاب آوری. فصلنامه روان شناختی مطالعات رفتاری، سال ۴، شماره ۲۹.
- [۸] برجعلی، احمد و سهرابی، فرامرز و اسکندری، حسین و معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با رضایت زناشویی با واسطه گری خوش بینی. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، دوره دوازدهم، شماره ۲۲.
- [۹] پورعبدلی، زهرا؛ طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سید شهاب الدین؛ کاکایی، یزدان و محمدی آریا، علیرضا. (۱۳۸۷)، رابطه سبک‌های فرزندپروری و مسئولیت پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، جلد ۱۲، شماره ۴۴.
- [۱۰] داودی، زهره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه ابعاد شخصیت روان رنجور خویی، برون‌گرایی، گشودگی، پذیرش و وظیفه شناسی با آشفته‌گی روانشناختی و اشتیاق شغلی و ابعاد آن در بین کارکنان شهرداری منطقه ۲، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.
- [۱۱] رحیم پور، فرزانه؛ صبحی قراملکی، ناصر و نریمانی، محمد. (۱۳۹۶). مقایسه اثر بخشی دو برنامه آموزشی تاب آوری و مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری زناشویی دانشجویان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال هفتم، شماره ۲۲، ۳۳-۵۴.
- [۱۲] رضائی، گل افروز؛ کاظمی، یحیی و علایی، حبیبه. (۱۳۹۲)، رابطه منبع کنترل دانش آموزان با گرایش آنها به انواع سبک‌های انضباطی معلمان، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۲.
- [۱۳] ریسی، حلیمه؛ کاووسیان، جواد و صفی زاده، زهرا. (۱۳۹۶). تاثیر منبع کنترل، خوش بینی و خود کارآمدی بر بهزیستی روانشناختی افراد میانسال شهرستان رودان، سومین همایش تازه‌های روان شناسی مثبت نگر، بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
- [۱۴] سپهریان آذر، فیروزه، محمدی، نسیم، بدلیپور، زینب، و نوروززاده، وحید. (۱۳۹۵). رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت زناشویی. سلامت و مراقبت، ۱۸(۱)، ۳۷-۴۴.
- [۱۵] سعیدی، فاطمه، آقازارتی، علی، و طباطبایی فر، سیدمهدی. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش غنی سازی زندگی زناشویی طرح تایم بر دلزدگی زوجین. سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی، ۱(۱)، ۴۷-۵۶.

- [۱۶] سلیمی، هادی؛ حاجی علیزاده، کبری؛ صداقت قطب آبادی، سمیرا و نیک روی، فرزاد. (۱۳۹۵). نقش واسطه ای سازگاری زناشویی در رابطه با پیش بینی سلامت جسمی و روانی معلمان متأهل ابتدایی شهر کرج. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت. ۴(۴)، ۲۹۹-۲۹۱.
- [۱۷] سهرابی، فرامرز و جوانبخش، عبدالرحمن. (۱۳۸۸)، اثربخشی تقویت مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوه گروهی بر منبع کنترل دانش‌آموزان دبیرستانی شهر گرگان، وانشناسی بالینی و شخصیت-دانشور رفتار سابق، دوره ۱، شماره ۳۷.
- [۱۸] شفیع، زهرا و فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۷). پیش بینی کامیابی بر اساس متغیرهای زوجی سازگاری زناشویی، جهت گیری اهداف زناشویی و منبع کنترل زناشویی در زنان متأهل.
- [۱۹] عبدالحسینی، حمیده و ابویی، آزاده. (۱۳۹۴). رابطه ی هوش هیجانی و منبع کنترل با سازگاری زناشویی زنان و مردان استان یزد، اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، کرمان.
- [۲۰] فاضل همدانی، نغمه. (۱۳۹۸). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس سرمایه روانشناختی. رویش روانشناسی. سال هشتم، شماره ۱۲، ۹۱-۹۸.
- [۲۱] کارلسون، ر. (۲۰۱۴). "شادمانی پایدار". ترجمه ارمان جزایری، نشر البرز، چاپ اول، تهران.
- [۲۲] کریمی نژاد، هاجر؛ صادقی، مسعود و غلامرضایی، سیمین. (۱۳۹۸). تدوین مدل تاب آوری خانواده بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده، زوجین و پژوهش‌ها. فصلنامه تربیتی فرهنگی زنان و خانواده. ۱۳(۴۶)، ۱۵۹-۱۷۸.
- [۲۳] کریمی، سارا، اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و تاب‌آوری با سازگاری زناشویی معلمان زن. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی. ۱۳۹۹؛ ۱۹ (۸۷) ۲۹۱-۲۹۸.
- [۲۴] گل محمدی نژاد بهرامی، غلامرضا و برغول، لیلا. (۱۳۹۳)، رابطه بین انگیزه پیشرفت و منبع کنترل با عملکرد مدیران دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر تبریز، علوم تربیتی، سال اول، شماره دوم.
- [۲۵] لوپسون، هانا. (۱۹۷۳). اعتبارسنجی پرسشنامه درک منبع کنترل. ترجمه احسان رضوی، نشریه حیات، ۲، ۱۲، ۴۱-۳۳.
- [۲۶] محمدیان آکردیان، ابراهیم؛ خان محمدی، ارسلان و بابایی کفای، هدی. (۱۳۹۴)، رابطه بین سبک‌های فرزند پروری با کمال گرایی و مثبت اندیشی والدین، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، تهران، موسسه سرآمد همایش کارین.
- [۲۷] مرادی، اعظم و قلمکاریان، سید محمد. (۱۳۹۳)، پیش‌بینی میزان انتظار فرج بر اساس امید، خوش‌بینی و منبع کنترل در در دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹.
- [۲۸] میرزایی، رضا و باقری زنجانی اصل منفرد، لیلا. (۱۳۹۹). تاب آوری از دیدگاه روانشناسی جدید و نقش ایمان به آموزه‌های دینی در آن. مطالعات اسلامی در حوزه سلامت. ۴(۲)، ۳۷-۴۶.
- [۲۹] نعمتی، شهرزاد؛ ایمان زاده، علی؛ فروهی، ناصر؛ مهدوی، محمد؛ افشین، حسین (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله مذهبی و تاب آوری با رضایت زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی. پیاپی ۵۳، بهار ۱۳۹۸، ص ۳۱۹-۳۳۳.
- [۳۰] یوسف زاده، ایمان؛ اسحاقی گرگی، معصومه و حجتی، علی. (۱۳۹۳)، بررسی خودکارآمدی و خوش‌بینی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی و ارتباط آن با سبک فرزند پروری مادران، زن و مطالعات خانواده، سال هفتم، شماره ۲۶.
- [31] Ahmadi S. Resilience, its theories and characteristics of resilient people. Third National Conference on Strategies for the Development and Promotion of Educational Sciences, Psychology, Counseling and Education in Iran. Tehran: Association for the Development and Promotion of Basic Sciences and Technologies. 2016.
- [32] Ahuja, N., Schmidt, M., Dillon, P. J., Alexander, A. C., & Kedia, S. (2020). Investigating marital satisfaction and resilience among people who are at home and people who are away from home. Archives of Sexual Behavior, 50, 323-332.
- [33] Amini M, Heydari H. Effectiveness of Relationships Enrichment Education on Improvement of Life Quality and Marital Satisfaction in Married Female Students. J Educ Community Health. 2016; 3(2):23-31.

- [34] Atkinson F, Martin J. (2020) Gritty, hardy, resilient, and socially supported: A replication study. *Disability and health journal*. 2020 Jan 1;13(1):100839.
- [35] Baniadam L, Makvand Hoseini SH, Sedaghat M. The Effect of Exposure and Response Prevention on Obsessive-Compulsive disorder and Marital Satisfaction on Married Women. *Applied Psychological Research Quarterly*. 2018; 8(4):126 -41.
- [36] Baron A. (1991). *Social psychology* 5th edition . printed in the U. S. A. *J Cross Cult Psychol*;46(4):508-24.
- [37] Bonanno, G. A, Human resilience, *American psychologist* 2004; 59: 20-28.
- [38] Bradley JM, Hojjat M. A model of resilience and marital satisfaction. *The Journal of social psychology*. 2017 Sep 3;157(5):588-601.
- [39] Breisemeister M.J, Schafer E.C ,(2014). *Hand book of parent training, parents prevent and solve problem behaviors* .United States Of America, John Wiley & sons, Third edition.
- [40] Brophy & Korner (2020). The role of self-compassion in the relationship between attachment, depression, and quality of life. Volume 260, 1 January 2020, Pages 45-52.
- [41] Brost, J. B. (2015). "A Systematic Review of the Effects of Family Conflict: Focusing on Divorce, Infidelity, and Attachment Style". <http://dx.doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01556.x>
- [42] Burpee LC, Langer EJ. Mindfulness and Marital satisfaction. *Journal of Adult Development*. 2005;1(12):43-51.
- [43] Card N, Barnett M. Methodological considerations in studying individual and family resilience. *Family relations*. 2015; 64:120-33.
- [44] Carver C, Scheier M & Segerstrom S. Optimism clinical psychology review; 2010.
- [45] Cheraghi M, Hasanzadeh M, Sabzi N. Relationship between family cohesion and mental health in elementary teachers in city of Shiraz. First national conference on educational psychology, 2012; Thursday, May 24. [Persian]
- [46] Connor, K. M. and Jonathan, R. T. (2003). Development of a new resilience scale, Wiley-Liss, INK, 18: 76-82.
- [47] Dandurand C, Lafontaine MF. Intimacy and couple satisfaction: the moderating role of romantic attachment. *International Journal psychological studies*. 2013; 5(1):74-90.
- [48] Durgut, S., & Kisa, S. (2018). Predictors of marital adjustment among child brides. *Archives of Psychiatric Nursing*, 32(5), 670-676.
- [49] Esmat D, Takrimi Z, Nafisi GH ,(2015). The role of parenting in children's depression, *Applied Psychology*, 1(2):125-140.[Persian]
- [50] Firoozbakht S, Latifian M. The Study of Mediating Role of Resilience on the Relationship between Family Communication Patterns and Motivational Regulation. *Journal of Psychology*. 2018;22:100-17.
- [51] Fletcher D, Sarkar M. (2012). *Psychological Resilience: A Review and Critique of Definitions, Concepts and Theory*. School of Sport, Exercise and Health Sciences, Loughborough University. 2012; 11(2): 13-22.
- [52] Grey, Simon. 2014. Using program source control to motivate student learning. *the higher education academy*. vol 4: 66.
- [53] Jiang H, Wang L, Zhang Q, Liu DX, Ding J, Lei Z, Lu Q, Pan F. Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress and Health*. 2015 Apr;31(2):166-
- [54] McCarthy BW, Khalilian A, Hamzehgardeshi Z, Peyvandi S, Elyasi F, et al. Factors associated with marital satisfaction in infertile couple: A comprehensive literature review. *Global journal of health science*. 2016;8(5):96.

- [55] Moradi M, Karami Nia R, Hatami HR, Abolmali Alhoseini KH. Investigating the relationship between lifestyle variables and personality traits with marital satisfaction of women. *Women's and Family Cultural-Educational Quarterly*.2018; 13(44):109-30.
- [56] Murphy J, Nalbone D, Wetchler J, Edwards A. Caring for Aging Parents: The Influence of Family Coping, Spirituality/Religiosity, and Hope on the Marital Satisfaction of Family Caregivers. *The American Journal of Family Therapy*. 2015; 43:238–25.
- [57] Pakniyat M, Roshan Chesli R. predict marital satisfaction based on sensation seeking,intimacy,sexual function,personality characteristics in nurses. *CPAP*.2018;16 (1):159-178.
- [58] Perrow C. *Normal Accidents: Living with High-risk Technologies*.New York. NY: Basic Books. 1984.
- [59] Rahmani K. Tofighi B, Bahrrani MR. Comparison of Marital Satisfaction, Quality of Life, Psychological Well-being and Psychological Resilience of Education Sector and Non-education Sector Employed Women and Unemployed Housewives in Bushehr City. *Journal of Advanced Progress in Behavioral Sciences* .2017;2(11):214-235.[Persian]
- [60] Rotter, J.B. (1966). Some pro'blems and misconceptions related to the construct of internal vs. external control of reinforcement. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 48, 56-67.